



A comparative study of the effects of judicial supervision in Iranian and French law

Mehrabani.Sajedeh¹- Adabi.Hamidreza^{2*}-Tahmasbi.Javad³-Javanmard.Behroz⁴

1: PhD Student of criminal law and criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2: Assistant Professor of criminal law and criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: Corresponding Author: (hr.adabi@yahoo.com)

3: Assistant Professor of criminal law and criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4: Assistant Professor of criminal law and criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Judicial oversight is one of the most important issues in criminal procedure that has always been the subject of discussion and opinion. This article tries to make a comparative study of judicial supervision in Iranian and French law. The present article is a descriptive-analytical study and examines the question using the library method. The results indicate that in the French criminal justice system, the only alternative to temporary detention is judicial supervision as a criminal security that includes and supplies all the assets of this system and adopts a unified approach and the need to pay attention to the needs of investigation and action. Tamin seeks to create the conditions for maximum balance between security and freedom. In the Iranian criminal procedure, however, despite the provision of judicial supervision as an alternative to temporary detention and some subscriptions with French law, due to the dual approach adopted by the legislature, the main, single and independent function of this criminal institution is subordinate, dual and complementary. Has become. Considering the recourse and using examples such as deterrence and obstruction and having a supervisory aspect, it may be said that in case of recourse to the judicial authority along with other appointments to any of the foreseen cases, judicial supervision is in order to prevent and correct the accused and guarantee The more the victim's salary, the more security will be taken from the accused, which violates the purpose of judicial supervision and is in opposition to criminal justice and the establishment of its goals, and not only loses its main mission, but also the efficiency of this institution. It has a negative effect. The need to pay attention to a unified approach to security and oversight appointments in Iranian law, such as French law, provides the maximum context for the investigating authority to accurately take steps to fully protect the rights of victims of crime and provide the most appropriate security in conflict with Individual liberties are not desirable in the view of progressive criminal justice systems.

Keywords: Comparative law, Iranian law, French law, judicial supervision.

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵- شماره ۳۰- بهار ۱۴۰۲

صفحات ۳۲۱-۳۴۶ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۵/۳۰- بازنگری ۱۴۰۲/۰۷/۲۴- پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

بررسی تطبیقی آثار نظارت قضایی در حقوق ایران و فرانسه

ساجده مهربانی /۱ حمیدرضا آدابی /۲* / جواد طهماسبی /۳ بهروز جوانمرد /۴

۱: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

۲: استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

hr.adabi@yahoo.com

۳: استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴: استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

با انتساب اتهام جرم به متهم، مرجع قضایی برای دسترسی به متهم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و همچنین حضور به موقع او، دو قرار تأمین و قرار نظارت قضایی را صادر می کند که نوع دوم به نوبه خود دارای آثاری می باشد که مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی، آن را در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مورد کنکاش قرار داده است. یافته ها حاکی از این است که در نظام دادرسی کیفری فرانسه، نظارت قضایی به عنوان تأمین کیفری جایگزین قرار بازداشت موقت شده است که تمام داشته‌های این نظام را در برداشته و با اتخاذ رویکردی واحد و با لزوم توجه بر ضرورت های تحقیق و اقدام تأمینی در تلاش است بسترهایی برای حداکثر اعتدال میان امنیت و آزادی ایجاد نماید. در آیین دادرسی کیفری ایران نیز علیرغم پیش‌بینی قرار نظارت قضایی به منزله جایگزینی برای قرار بازداشت موقت و پاره‌ای اشتراکات با حقوق فرانسه، به دلیل رویکرد دوگانه اتخاذی مقنن، کارکرد اصلی، واحد و مستقل این نهاد کیفری به کارکردی فرعی، دو گانه و تکمیلی تبدیل شده است. با عنایت به توسل و به کار بردن مصادیقی چون بازدارنده و مانع بودن و جنبه نظارتی داشتن گفته می شود در صورت توسل مقام قضایی در کنار سایر قرارها به هر کدام از موارد پیش بینی شده قرار نظارت قضایی در راستای پیش گیری و اصلاح متهم و تضمین هرچه بیشتر حقوق بزه دیده، در عمل دو تأمین از متهم اخذ خواهد گردید که غایت نظارت قضایی را نقض نموده و در نقطه مقابل عدالت کیفری بوده و بر کارآیی این نهاد نیز تأثیر منفی می گذارد. لزوم توجه به رویکرد واحد برای قرارهای تأمین و نظارت قضایی در حقوق ایران همچون حقوق فرانسه، بستری حداکثری را برای مقام رسیدگی کننده فراهم آورده تا به صورت دقیق، جهت حفظ کامل حقوق بزه دیده از جرم قدم بر دارد و مناسب ترین تأمین را که در منافات با آزادی‌های فردی مطلوب نظر نظام‌های عدالت کیفری مترقی نیست در نظر بگیرد.

کلیدواژه: حقوق تطبیقی، حقوق ایران، حقوق فرانسه، نظارت قضایی.

ساجده؛ آدابی، حمیدرضا؛ طهماسبی، جواد؛ جوانمرد، بهروز (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی آثار نظارت قضایی در حقوق ایران و فرانسه. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۰، صفحات ۳۲۱-۳۴۶.

Doi: [10.22075/feqh.2022.21752.2641](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.21752.2641)

مقدمه

یکی از ابتدایی‌ترین حقوق هر فردی حق آزادی وی می‌باشد. به بیان دیگر، بعد از حق حیات، حق آزادی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق بشر، بلکه لازمه آن به شمار می‌آید. به عقیده امام خمینی (ره)، آزادی، حق اولیّه بشر است که در همان آغاز خلقت به او اعطا شده است؛ آزادی که همواره امام از آن به نعمت بزرگ الهی، هدیه آسمانی و امانت الهی یاد می‌کند امتیاز به حساب نمی‌آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقیقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است (قدوی و تقی زاده، ۱۳۹۰: ۴۹). این مهم نه تنها در قوانین اساسی کشورها مورد اشاره واقع شده، بلکه بر تمامی قوانین کیفری چه شکلی و چه ماهوی سایه افکنده است. یکی از این آزادی‌های مشروع افراد در جامعه آزادی تن است، اما گاهی اوقات در جوامع سازمان یافته با اختیاراتی که شهروندان به قوه مقننه تفویض می‌کنند، قانونگذار با تصویب قوانین خاص، اقدام به محدود کردن این آزادی‌ها می‌کند؛ لذا اصل بر آزادی تن بوده و موارد محدود کننده آزادی از موارد استثنائی است که قانونگذار می‌بایست صراحتاً به ذکر این موارد پردازد (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۱۰۹). امروزه در بسیاری از کشورها، سیاست قانونگذار نه فقط در جهت محو و حذف بازداشت اجباری است، بلکه سعی وافر و جهد بلیغ می‌شود که بیش و پیش از استفاده از قرار بازداشت موقت اختیاری، بدو از قرارهای کنترل قضایی استفاده شود (شریفی، ۱۳۸۰: ۹۳). اعمال این مکانیسم در کشورهایی مثل بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا متداول است (همان: ۹۳). اصل برائت موجب می‌گردد تا قبل از این که تکلیف نهایی موضوع اتهام تعیین نگردیده و حکم قطعی صادر نشده است هیچگونه محدودیتی نسبت به آزادی‌های شخصی و یا اموال تحت پیگرد شکل نگیرد، اما از طرف دیگر، ضرورت تحقیق، ممانعت از فرار، تبانی و به ویژه جلوگیری از تضييع حقوق بزه دیدگان و قربانیان جرم نیازمند این است که در برخی از موارد قبل از اعلام نظر قضایی، آزادی متهم سلب یا محدودیت‌ها و تعهداتی برای او و سایر افراد

ایجاد شود^۱ (پوررجب قاضی محله، ۱۳۹۰: ۶۹). از سوی دیگر، همان طور که پیش از این بیان شد، آزادی و جلوگیری از توقیف غیر قانونی اشخاص یکی از اصول مهم در قوانین اساسی کشورهاست، اما در قانون آئین دادرسی کیفری زمانی که صحبت از توقیف قانونی می‌آید، رویکردها متفاوت است؛ چه از لحاظ قلمرو توقیف و چه نحوه توقیف. پیش بینی قرارهای نظارت قضائی به عنوان تأمینی کیفری در نظام های پیشرو در عدالت کیفری دنیا، به ویژه در حقوق کیفری فرانسه در چارچوب جلوه ها و مصادیق متنوع آن، به عنوان راهکاری مناسب برای حفظ نظم و امنیت جامعه در کنار توجه به حفظ آزادی های مشروع مورد عنایت واقع شده و به دنبال اهداف کلان و مطلوب نظری چون، ضرورت های تحقیق و اقدام تأمینی شکلی واحد داشته و در جهت نیل به کاهش توسل به قرار بازداشت موقت نیز قدم برداشته است. در این مقاله تلاش شده به بررسی این مهم پرداخته شود که آثار نظارت قضایی در حقوق ایران و فرانسه و انواع نظارت قضایی در آئین دادرسی کیفری دو کشور چیست؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره، ابتدا آثار صدور قرار نظارت قضایی و در ادامه انواع نظارت قضایی بررسی می شود.

۱- آثار صدور قرار نظارت قضایی

بدیهی است که با صدور نهادی خاص از جمله قرار نظارت قضایی، پیامدها و آثاری متوجه شخص متهم می گردد. این آثار نیز طبیعتاً تا مدتی مشخص بر شخص متهم بار خواهند شد و در طول این مدت نیز ممکن است در نتیجه عمل شخص متهم یا انتهای مدت مفروض، خاتمه یابند. در همین راستا نیز تحلیل نکات و جزئیات مرتبط با این موارد که در مرحله پس از صدور حکم مطرح می گردند مقتضی است. از همین رو،

۱. اصولاً باید توجه داشت که حل اختلاف توسط قاضی و صدور رأی از سوی وی، منوط به تفکیک امور موضوعی از امور حکمی و ترتب امور حکمی بر امور موضوعی می باشد؛ جهت اطلاع بیشتر ر.ک: جعفری ندوشن و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۴.

شناسایی و ارزیابی تبعات و آثار برخاسته از صدور قرار نظارت قضایی لازم به نظر می‌رسد.

در این باره می‌توان گفت پیامدهای صدور قرار نظارت قضایی نسبت به شخص متهم که به طور قهری بر وی بار می‌شوند یا به تعبیری دیگر، آثار برخاسته از نهاد نظارت قضایی، همان ضمانت اجرایی هستند که تدوین کنندگان و قانونگذاران نسبت به تبعیت یا عدم تبعیت از قرار مذکور پیش بینی کرده‌اند. قانونگذار فرانسه، تنها با پیش بینی موارد عدم رعایت الزامات قرار نظارت قضایی از ضمانت اجراها و آثار صدور سخن رانده است و این امر به طور خاص ریش در جایگزینی قرار نظارت در فرانسه به جای قرار بازداشت موقت دارد. این در حالی است که در قانون جدید آئین دادرسی کیفری، تدوین کنندگان با وجود غلبه ماهیت تکمیلی این قرار، آثار تبعیت از دستورات را نیز علاوه بر آثار سرباز زدن از آن پیش بینی کرده‌اند (تدین، ۱۳۹۲: ۱۴۳). بر همین اساس، در دو قسمت ذیل، از این آثار با عنوان اختیار ناشی از تبعیت و تکلیف برخاسته از تخلف از قرار یاد خواهیم کرد.

۱-۱- اختیار ناشی از تبعیت از قرار

چنان چه شخص متهم از تعهدات و دستورات تعیین شده قرار نظارت قضایی تبعیت کند، مقام قضایی این اختیار را پیدا می‌کند که در صورت محکومیت یافتن وی، نسبت به تخفیف در کیفر جرم ارتكابی وی اقدام نماید. بدین صورت که تدوین کنندگان قانون در ماده ۲۵۳ ق.آ.د.ک. پیش بینی کرده‌اند در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضائی را رعایت کند، به درخواست وی که باید دادستان آن را تأیید نماید و یا پیشنهاد دادستان، دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد. بنابراین، این امکان و اختیار دادگاه مبنی بر تخفیف در مجازات وی به یکی از موارد و جهات تخفیف مجازات که در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی جدید اشاره شده‌اند، اضافه گشته است.

حال باید دانست که در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، چنین امکانی برای تبعیت از دستورات و الزامات قرار نظارت قضایی پیش بینی نشده است. بر همین اساس، این که چرا این اثر در قانون جدید آمده ولی در قانون کشور فرانسه بدان اشاره نشده است، خود جای تأمل دارد ولی در نگاه اول، عامل و مسبب پیش بینی این اثر در فرعی و تکمیلی بودن این قرار در ایران و فقدان چنین ویژگی در فرانسه رخ می‌نماید (Maestracci, 2006:23). بدین توضیح که قانونگذار فرانسه قرار نظارت را قرار مستقل دانسته و با تبیین ماهیت جایگزینی آن برای بازداشت موقت چنین بیان می‌دارد که چنان چه شخص از تعهدات این قرار تبعیت نکند به بازداشت موقت منتهی می‌گردد. برداشت و مفهوم مخالف این متن آن است که چنان چه متهم به تعهدات قرار نظارت پایبند و وفادار بماند از صدور قرار بازداشت نسبت به خود رهایی می‌یابد و این امر، خود اثر و پیامد تبعیت اوست. از طرف دیگر، نیز می‌توان با نگاهی به قرارهای تأمین کیفری جایگزین بازداشت موقت به این نکته پی برد که چنان چه شخص به قرار التزام، کفالت و یا وثیقه خود پایبند باشد، پیامد آن امکان تخفیف نیست و چنین امکانی هم وجود ندارد بلکه در نهایت، شخص از امکان صدور قرار بازداشت نسبت به خود می‌رهاند.

اگرچه چنین جهت تخفیفی در قانون جدید آئین دادرسی کیفری نوین قلمداد می‌شود اما فرآیند اجرایی شدن آن و تضمین حقوق شخص متهم در درخواست چنین تخفیفی هر لحظه ممکن است با مانعی مواجه گردد؛ چراکه در صورت تقاضای شخص متهم، تأیید دادستان مورد نیاز است در حالی که نه موارد و جهات عدم تأیید مشخص شده است و نه آن که در صورتی که دادستان تأیید ننماید، آیا امکان اعتراض برای شخص متهم وجود دارد یا خیر؟ همه این ملاحظات، اقتضا می‌کنند تا جزئیات این تقاضا مشخص گردد. نکته دیگری که حاکی از این ضرورت است این که در اصل تخفیف مجازات، مقامی واسطه‌ای میان شخص متهم و دادگاه وجود ندارد و این دادگاه است که در صورت وجود جهات تخفیف به این مهم اقدام می‌کند؛ امری که حتی پیش بینی آن در اینجا نیز کم ایرادتر به نظر می‌رسد.

نکته دیگری که می‌توان در اینجا به آن اشاره نمود این است که در نسخه‌های اولیه مربوط به لایحه آئین دادرسی کیفری و در ماده ۳۹-۱۲۶ آن آمده بود که: «هرگاه متهم از دستورهای مندرج در نظارت قضایی تخلف نکند...» ولی در آخرین نسخه آن از ترکیب «رعایت نماید» استفاده شده است. این که آیا در نظر تدوین کنندگان لایحه، این دو یکی هستند یا خیر؟ در اسناد موجود در ارتباط با لایحه مشخص نشده است ولی به نظر می‌رسد که این دو مورد، دو روی یک سکه باشند و آثار متفاوتی از این تفاوت اصطلاحات به بار نخواهد آمد.

در آخر نیز باید به این نکته مهم اشاره نمود که با توجه به رویکرد دوگانه تدوین کنندگان قانون و پیش بینی قرار نظارت مستقل و قرار نظارت توأم با دیگر قرارهای تأمین، در اینجا چنان چه شخص متهم به هر دو نوع این قرار پایبند بود، در هر صورت امکان تخفیف نسبت به وی قابل اعمال است ولی با توجه به قانون مجازات اسلامی جدید، در خصوص قرار نظارت قضایی مستقل که می‌تواند نسبت به جرائم تعزیری درجه هفت و هشت صادر شود، وضعیت اندکی متفاوت است. بدین توضیح که مقنن در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی و ذیل فصل تخفیف مجازات و معافیت از آن آورده است که: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنان چه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند». بنابراین در صورت رعایت دستورات قرار نظارت قضایی مستقل و اثبات موارد مصرّحه، شخص می‌تواند به طور کلی از کیفر صادر شده معاف گردد و این امکان نسبت به وی وجود دارد.

۲-۱- تکلیف ناشی از تخلف از قرار

علاوه بر پیش بینی نتیجه موارد تبعیت از دستورات قرار نظارت قضایی، ضمانت اجرایی نیز برای موارد تخلف شخص متهم از دستورات این قرار پیش بینی شده است.

برخلاف نتیجه تبعیت که فقط در قانون آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده است، ضمانت اجرای تخلف از قرار نظارت قضایی و دستورات آن در هر دو نظام فرانسه و ایران آمده است؛ اگرچه در نوع ضمانت اجرا میان این دو نظام تفاوت‌های قابل توجهی مشاهده می‌شود.

در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، قواعدی در رابطه با شخصی که از دستورات قرار نظارت قضایی تبعیت نکند پیش بینی کرده است. توضیح آن که در ماده ۱-۱۴۱ آمده است: «اگر شخص تحت بررسی به صورت اختیاری از الزامات نظارت قضایی تبعیت ننماید، هیأت تحقیقاتی بازپرسی می‌تواند علیه او دستور بازداشت یا جلب صادر نماید. همچنین این هیأت می‌تواند ... قاضی آزادی‌ها و بازداشت را به منظور قرار دادن شخص در بازداشت موقت مورد درخواست قرار دهد. بدون در نظر گرفتن میزان مجازات قانونی حبس، قاضی آزادی‌ها و بازداشت قادر است با توجه به مقررات ۳-۱۴۱ علیه این شخص، دستور به حبس برای بازداشت موقت وی صادر کند ...» (snacken 2006:27). توضیح آن که هرگاه متهم از رعایت مقررات کنترل قضایی سر باز زند، بازپرس می‌تواند بدون توجه به میزان مجازات اتهام وارده فوراً اقدام به توقیف او نماید. قرار توقیفی که بدین ترتیب صادر می‌شود لازم نیست که موجه باشد بلکه کافی است که بازپرس تعهدی را که متهم از انجام آن سر باز زده در قرار توقیف قید نماید، کافی است که شخص از زیر بار این تعهدات شانه خالی کرده باشد؛ بنابراین در حقوق فرانسه، شمول ضمانت اجرا نسبت به متهم ناقض قرار نظارت و اعمال بازداشت موقت، «امری خودکار نمی‌باشد بلکه امری قابل بررسی. در طی زمان تحقیقات، قاضی آزادی‌ها و بازداشت پس از ارجاع قانونی قاضی تحقیق موضوع بازداشت متهم را مورد بررسی قرار می‌دهد. حال آن که در قانون آئین دادرسی کیفری جدید، سیاست موردنظر جلوه دیگری یافته است. در ماده ۲۵۴ این قانون آمده است که: «هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضائی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند قرار

نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادره به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد...»

اگر متهم از قرارهای نظارت قضایی تخلف کند و آنها را انجام ندهد و از دستورات بازپرس سرپیچی کند، نهاد صادرکننده قرار نظارت قضایی آن را لغو کرده و تأمین کیفری که همراه با قرار نظارت قضایی صادر کرده است را تشدید می‌کند. اما به این نکته باید توجه نمود که در راستای تشدید قرار تأمین کیفری نمی‌تواند بازداشت موقت را صادر کند.

مشخص است که نگاه تدوین کنندگان قانون به مانند قانونگذار فرانسوی، نگاهی تشدید در قبال تخلف از قرار نظارت قضایی است ولی تجلی متفاوت این دو رویکرد، خود از منبای متفاوت آن دو در خصوص شالوده این قرار نشأت می‌گیرد (Dyvrande, 2006:11). در رابطه با قرار نظارت قضایی تکمیلی، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌گردد. تصمیم به لغو قرار نظارت و تشدید قرار تأمین، تصمیم مناسبی ارزیابی می‌گردد ولی جزئیاتی دخیل است که توجه به آنها این تصمیم را در عین تناسب، صحیح‌تر و کامل‌تر خواهد نمود؛ نکته اول این که میزان تشدید مشخص نیست. مجال این موجود بود که اختیار مقام قضایی در این راستا چارچوبی مشخص پیدا کند. در این راستا قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه می‌تواند الگوی مناسبی در جهت مشاهده نحوه چارچوب مند کردن اختیارات این مقام باشد زیرا در این قانون، مواعدی را در خصوص حالتی که شخص دستورات قرار نظارت را نقض می‌کند مشخص ساخته تا اختیار مقام قضایی را به بازداشت موقت بیش از موعد منتهی نگردد که این مواعد به تناسب نوع پرونده و سابقه متهم متفاوت است.

ابهام دیگری در واژه «تشدید» وجود دارد و آن، این پرسش است که آیا تشدید شامل تبصره این ماده نیز می‌شود یا خیر؟ بدین شرح که چنان چه مقام قضایی بخواهد با لغو قرار نظارت، به تشدید قرار توأم اقدام نماید، آیا می‌تواند در مقام تشدید، قرار تأمین سابق را به قرار بازداشت موقت تبدیل کند یا این که تبصره فوق فقط به قسمت

دوم ماده، یعنی قرار نظارت مستقل ارتباط دارد؟ بر اساس مواد قانون جدید، دو استدلال قابل طرح است: استدلال اول این است که تبصره ناظر به قسمت دوم ماده است و چنان چه قرار نظارت قضایی مستقل باشد، مقام قضایی نمی تواند قرار بازداشت صادر کند؛ با این استدلال که اولاً، جرائم موضوع صدور این قرار، جرایمی خفیف بوده و این که لفظ «قرار صادره» هم در تبصره و هم در قسمت دوم ماده مشترک است. مضافاً این که فقط در قسمت دوم ماده سخن از «تبدیل» قرار آمده است امری که موضوع تبصره می باشد. استدلال دوم نیز مقرر می دارد که تبصره به تمام ماده ارتباط دارد چرا که در ابتدای تبصره، از واژه «در اجرای این ماده» استفاده شده و دلیل دیگر نیز استثنایی بودن توسل به بازداشت موقت است که در ماده ۲۳۷ قانون جدید نیز پیش بینی گردیده است. از بین این دو استدلال، هرچند استدلال اول با نص ماده مطابقت بیشتری داشته ولی استدلال دوم مورد پذیرش قرار می گیرد، زیرا علاوه بر دلایل فوق الذکر، از یک جهت توسل حداقلی به بازداشت موقت، مبنای پیش بینی قرار نظارت است و از جهت دیگر نیز تشدید در قسمت اول ماده، خود نوعی تبدیل است.

سیاست تدوین کنندگان قانون در جهت لغو، تشدید و تبدیل، به طور کلی پذیرفته شده است چرا که در مرحله تحقیقات مقدماتی آن چه مقتضی است برخورد قاطع از یک طرف، و سریع بودن فرآیند از طرف دیگر می باشد؛ اما این رویکرد می بایست موارد تخلف ناخواسته و موجه را با اشاره ای مختصر پیش بینی می نمود؛ بدین خاطر که در موارد گوناگونی امکان دارد شخص ناخواسته و با عذری موجه از آن دستورات تبعیت نکند و با وجود این تخلف، همچنان قرار نظارت برای وی متناسب ترین قرار می باشد. به همین دلیل و از دیدگاه برخی از حقوقدانان فرانسوی، «به نظر می رسد که ضمانت اجرا در مورد قوه قاهره، بی توجهی و غفلت قابل اجرا نبوده و فقط در صورت سوء اراده و با قصد فرار (حتی بدون نقشه گمراه کردن عدالت) از انجام تعهداتی باشد که به وی تحمیل گردیده است» (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

در این حالت، اگر قرار نظارت قضایی همراه با قرار تأمین کیفری شود و از آن تخلف شود قرار نظارت لغو می شود و در عوض، قرار تأمین شدیدتر می شود.

۲- شیوه اجرای قرار نظارت قضایی و اعتراض به آن

۲-۱- شیوه اجرای قرار

با صدور قرار نظارت قضایی، نکته مهم، چگونگی اجرای این قرار است و این که اجرای آن بایستی با چه ضوابطی همراه باشد تا آن که در پی آن بتوان از حسن اجرای قرار نظارت قضایی سخن گفت؟ در حقوق فرانسه تصویب نامه مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۷۰ (ماده ۱۶ R) به صراحت بیان می دارد که قاضی تحقیق باید شخصی حقیقی یا حقوقی را به عنوان ناظر قضایی معرفی نماید؛ که این فرد می تواند یکی از ادارات پلیس یا ژاندارمری یا دستگاه قضایی یا دارای صلاحیت و یا در موارد استثنائی، یک روانشناس باشد. بدین تعبیر، در حقوق فرانسه، مقامات یا اشخاص مسئول نظارت بر حسن اجرای قرار نظارت قضایی، اطمینان حاصل می نمایند که فرد تحت تعقیب به تعهدات خود پایبند است؛ به این منظور، افراد می توانند با متهم ملاقات نموده و از وضعیت او اطلاع حاصل نمایند. این افراد در مقابل قاضی تحقیق با توجه به شرایطی که وی تعیین می نماید، در قبال رفتار فرد تحت تعقیب پاسخگو می باشند. چنان چه متهم، از اجرای تعهدات خود تخلف کند این افراد مراتب را بلافاصله به اطلاع قاضی می رسانند.

در قانون آئین دادرسی کیفری، در اجرای ماده ۲۵۲ مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری، «آئین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی» به شرح مواد آتی است.

بر اساس این ماده، شیوه اجرای قرارهای نظارت قضایی به مفهوم مشخص نمودن ضوابط و الزاماتی است که از یک طرف شخص متهم می بایست به آنها پایبند باشد و آنها را رعایت نماید و از طرف دیگر، مقامات و متصدیان مربوطه بایستی در طول آن، بر اعمال شخص متهم نظارت کنند. بنابراین اجرای قرار نظارت، فرآیندی دو سویه دارد و بدون التزام و اعتراف به این فرآیند، متهم خود را فارغ از نظارت می یابد.

همانگونه که در مبحث مربوط به قرار نظارت قضایی بیان گردید، به موجب ماده ۲۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی برای مدّت معین صادر کند. قرار نظارت قضایی شامل یک یا چند دستور از دستورهای مقرر در ماده مزبور است. به موجب بند «ث» ماده ۲۴۷ یاد شده، یکی از این دستورها، قرار ممنوعیت خروج از کشور است. این قرار ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد و چنان چه قرار در دادگاه صادر نشده باشد، قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان است. به موجب ماده ۲۴۸ همین قانون، مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتهی است و مراجع مربوط نمی توانند مانع خروج افراد از کشور شوند. این امر یعنی منتهی شدن خود به خود دستور منع خروج از کشور، سبب رفع مسئولیت از کسانی نیست که به محض منتهی شدن قرار، آن را به مراجع مربوطه اعلام نمی کنند؛ زیرا به موجب تبصره ماده ۲۵۱ قانون یاد شده، در صورت الغاء قرار تأمین یا نظارت قضایی، این امر بلافاصله به مراجع مربوط اعلام می شود. علاوه بر این، نحوه اجرای دقیق و صحیح این قرار همانگونه که در ماده ۲۵۲ قانون مذکور مقرر شده است باید به موجب آئین نامه مشخص شود تا هر یک از مراجع ذیربط با تکالیف اجرایی خود آشنا شوند (مصدق، ۱۳۹۹: ۶۸)

با توجه به مطالب پیش گفته، در تدوین شیوه اجرای دستور منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، بایستی ضوابط و الزامات، اجرا و بر اجرای این دستور نظارت مدنظر واقع شود. تعیین این ضوابط و الزامات سبب می شود که علاوه بر صرف صدور این ممنوعیت، باعث افزایش کارآیی آن نیز بشود. نحوه اعمال و اجرای قرار نظارت مبنی بر منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، در این مورد مراتب باید به پیوست تصویر قرار به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی حوزه قضایی صادر کننده قرار برای اخذ گواهینامه رانندگی از متهم و ضبط موقت آن، ابلاغ شود.

مرجع قضایی صادر کننده قرار نظارت مبنی بر منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری موظف است مراتب ضبط گواهینامه را به معاونت نیروی انتظامی مرکز اعلام، و نتیجه نظارت بر اجرای دستور را حسب مورد به مرجع صدور یا اجرا کننده قرار گزارش کند. تحویل مجدد گواهینامه به متهم، مستلزم اعلام مرجع قضایی خواهد بود.

نکته قابل توجه این که در صورتی که متهم ظرف مهلت تعیین شده توسط مقام قضایی، از تحویل گواهینامه رانندگی خود به راهنمایی و رانندگی خودداری کند و یا پس از تحویل گواهینامه در مدت ممنوعیت، مبادرت به رانندگی نماید مراتب باید بلافاصله توسط راهنمایی و رانندگی به مرجع صدور قرار اعلام شود.

بنابراین این کاهلی در تدوین مقررات به ویژه اجرا از یک طرف، و نیز وجود تلقی نامناسب مردم از طرف دیگر، موجب می گردد که مقامات قضایی به تدریج نسبت به صدور این قرار دلسرد شده و قراری با این همه برنامه و ادعای مؤثر، به حاشیه کشیده شده و به نهادی متروک تبدیل گردد (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۹۲: ۵۶/۱).

تبیین شیوه اجرا در خصوص منع اشتغال به فعالیت های مرتبط با جرم ارتكابی نیز که از مصادیق قرار نظارت قضایی است مهم می باشد؛ چراکه در این خصوص، گاه پرونده ای مطرح می شود که شخص متهم برای نمونه پدر خانواده بوده که کار و کسب درآمد برای وی و خانواده او اهمیت زیادی داشته و دارد. در این صورت، از یک طرف نباید در اینجا به طور کلی از اشتغال منع شود که وی را از کارهایی که مانع کسب در آمد وی هستند ممنوع کنند و از طرف دیگر نیز ضرورت دارد تا فعالیت های مرتبط با جرم ارتكابی تعریف و تبیین گردد.

نحوه اعمال و اجرای این قرار از سوی مرجع قضایی در آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی بیان شده است. چنان چه قرار نظارت مبنی بر اشتغال به حرفه، شغل یا کار معین بوده و متهم به آن اشتغال داشته باشد قاضی صادر کننده قرار،

مراتب را حسب مورد باید به کارفرما و یا بالاترین مدیر یا مسئول محلّ اشتغال متّهم و یا نهاد و سازمان مربوط ابلاغ نماید.

مرجع یادشده موظّف است ضمن رعایت دستور قضایی مراتب اقدام خود را به مرجع صادرکننده قرار نظارت اعلام کند. چنان چه متّهم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد جواز کار یا پروانه اشتغال وی، باید از طریق مرجع مربوط و با اعلام قاضی موقتاً اخذ و مراتب به مرجع صادرکننده یا اجراکننده قرار گزارش گردد.

در صورتی که متّهم در زمان صدور قرار یا اجرای آن، اشتغال به شغل ممنوع شده نداشته باشد، مراتب قرار خودداری از شغل یا حرفه یا کاری که منع گردیده به متّهم ابلاغ می شود تا از اشتغال به آن در مدت مقررّ خودداری نماید. مرجع صادرکننده انواع قرارهای نظارت قضایی باید تدابیر لازم را برای نظارت بر اجرای قرار مذکور اتخاذ کرده و در صورت نیاز به مراجع ذیربط اعلام نماید. لازم به ذکر است که اگر مقام قضایی، قصد پایان قرار صادره را داشته باشد و بخواهد ممنوعیت اشتغال به شغل را از بین برد به طور کلی باید رفع ممنوعیت از اشتغال، مستلزم اعلام مرجع قضایی باشد. در پایان این نکته قابل ذکر است که چنان چه اجرا و نظارت بر اجرای قرار نظارت قضایی از سوی متّهم نیازمند هیأت ناظرین قضایی باشد، اعضای آن را چه کسانی تشکیل می دهند؟ علاوه بر این، تمام ضوابط فعالیت آنها از جمله این که در صورت تخلف متّهم، گزارش موارد تخلف با چه تشریفات صورت بگیرد، باید مشخص شود.

۲-۲- اعتراض به قرار

پس از صدور قرار نظارت قضایی، نوبت به اعتراض و استیناف از قرار صادر شده می رسد. قرار نظارت قضایی، هم در قانون جدید و هم در حقوق کیفری فرانسه قابل اعتراض می باشد. در حقوق فرانسه، مرجع تجدیدنظرخواهی از قرارهای بازپرس یا قاضی آزادیها و بازداشت، شعبه تحقیق است. این مرجع یک شعبه اختصاصی دادگاه تجدیدنظر است. بر اساس ماده ۱۸۵ قانون آئین دادرسی این کشور، دادستان شهرستان و متّهم حقّ درخواست تجدیدنظر از قرار نظارت را دارند و مدعی خصوصی فقط

می‌تواند از قرارهای عدم انجام تحقیقات، منع تعقیب و قرارهای معارض با منافع خصوصی خود تجدیدنظر خواهی کند و در هیچ صورت نمی‌تواند در مورد قرار یا ترتیب قرار راجع به بازداشت شخص تحت بررسی یا نظارت قضایی اعتراض نماید. در حقوق این کشور، رفع نظارت همواره می‌تواند توسط هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا با درخواست دادستان شهرستان یا درخواست شخص متهم بعد از اطلاع دادستان شهرستان صادر شود. در صورت عدم تصمیم‌گیری هیأت تحقیقاتی بازپرسی در مدت پنج روز، متهم می‌تواند به طور مستقیم، شعبه تحقیق (شعبه اتهامی) را مورد درخواست قرار دهد. در این صورت، این شعبه ظرف مدت بیست روز در خصوص این درخواست تصمیم‌گیری می‌نماید (الهی منش، ۱۳۸۹: ۹۶).

به موجب تبصره ۲ ماده ۲۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قرار نظارت قضایی ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنان‌چه این قرار توسط دادگاه صادر گردد ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. منظور از دادگاه صالح به موجب ماده ۲۷۱ این قانون، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد. اگر قرار در دادسرا صادر شود قابل اعتراض در دادگاه است و اگر در خود دادگاه صادر شود قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است، زیرا هم دادسرا و هم دادگاه می‌تواند این قرار را صادر کند. ماهیت قرار نظارت قضایی به گونه‌ای است که همانند آراء دادگاه، نیاز به ضوابط مشخص برای اجرا دارد؛ زیرا بعضی از دستورات آن مانند منع از اشتغال به شغل و یا منع از حمل سلاح در قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات تکمیلی بیش بینی شده است. برخی دیگر نیز ماهیتاً در همین وضعیت قرار دارند؛ لذا در اجرای آنها باید نهایت دقت صورت گیرد و تا جایی که مقدور است اجرای این قرارها باید مستند به قانون و آئین نامه مربوط باشد.

۳- انواع قرارهای نظارت قضایی

۳-۱- قرار نظارت قضایی از حیث ایجابی

این قرار که بر انجام فعل از ناحیه متهم دلالت دارد عبارت از معرفی نوبتی خود به مراکز و نهادهایی است که بازپرس تعیین می‌نماید. با توجه به نگرانی مقام قضایی از فرار و عدم دسترسی به متهم، این مورد در بند الف ماده ۲۴۷ قانون جدید آئین دادرسی کیفری مطرح گردیده است. مطابق این قرار، متهم باید خود را به مراکز یا نهاد هایی که بازپرس تعیین می‌کند، در مدت معینی معرفی نماید. این بند در واقع، برگرفته از بند ۵ ماده ۱۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه می‌باشد؛ نکته دیگری که در مورد این بند وجود دارد آن است که معرفی نوبتی متهم به مراکز و نهادها، به نوعی در قرارهای تأمین مندرج در ماده ۲۱۷ بند (ب) مورد پیش بینی شده است؛ با این تفاوت که در قرار تأمین کیفری، متهم ملزم است خود را به مراجع انتظامی یا قضایی به صورت نوبتی معرفی نماید و برای اطمینان از انجام این تعهد توسط متهم، همراه با آن وجه التزام نیز معین می‌شود (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۰۸/۲). بنابراین با جمع این دو بند از دو ماده ذکر شده، نتیجه گرفته می‌شود مراکزی که در نظارت قضایی مورد نظر می‌باشند هر چند به صورت کلی ذکر شده اند، شامل مراجع قضایی یا انتظامی نمی‌گردند و اگر این مراکز را مشمول این نهاد ها هم بدانیم، باید بگوئیم هدف مراجعه متهم به این مراکز، با مورد قرار تأمین کیفری مندرج در بند (ب) ماده ۲۱۷ متفاوت است. به نظر می‌رسد در قرار تأمین، متهمان برای حصول اطمینان از حضورشان و عدم فرار و مخفی شدن ایشان، ملزم به معرفی خود به مراجع انتظامی یا قضایی گشته‌اند اما در خصوص قرارهای نظارت قضایی، این مراجعات به منظور اصلاح متهم صورت می‌پذیرد که در مجموع گفته می‌شود به نظر این مراکز به نهاد هایی ارتباط دارند که در جهت اصلاح متهم تلاش می‌کنند، مانند نهاد های باز پروری بهزیستی و یا مدد کاری اجتماعی؛ بنابراین در این قرار، هدف اصلاحی متهم، مدنظر تدوین کنندگان لایحه بوده است. قابل توجه این که شبیه این قرار در بند ث ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری در قالب دستور دادستان در جرائم تعزیری با درجات ۶، ۷ و ۸ با شرایطی به منظور تعلیق تعقیب پیش بینی شده و بندهای ب، ج، چ همان ماده باز دستوراتی را برای متهم در زمان تعلیق تعقیب با محتوای

نزدیک به محتوای قرار مورد بحث - معرفی نوبتی خود به مراکز و نهادهایی که باز پرس تعیین می‌کند - تجویز نموده است.

۲-۳- قرارهای نظارت قضایی حاوی تکالیف سلبی

۱-۲-۳- منع رانندگی با وسیله نقلیه موتوری

یکی از مصادیق قرار نظارت قضایی در قانون آئین دادرسی کیفری ایران، منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری (بند ب ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک) می‌باشد که به بازپرس این اختیار را داده است تا از رانندگی متهم (شخص تحت بررسی)، با هر گونه وسیله نقلیه موتوری جلوگیری نماید.

امروزه سوانح رانندگی به یکی از عوامل مهم مرگ و میر و ایراد ضرب و جرح بر افراد تبدیل گردیده است. به همین خاطر، برحذر داشتن افراد دارای حالت خطرناک از رانندگی، زمینه پیشگیری از وقوع جرایم مرتبط را مهیا می‌کند. چنان چه اتهام متهم مربوط به امور رانندگی باشد محرومیت وی از رانندگی از همان ابتدای تعقیب، موقعیت های جرم را حذف می‌کند. براین اساس، به بازپرس اجازه داده شده است که از رهگذر قرار نظارت قضایی بتواند رانندگان دارای حالت خطرناک را برای مدت معین از رانندگی وسیله نقلیه موتوری ممنوع کند. این قرار باید با جرم ارتكابی و مدت آن با وضعیت متهم و شدت جرم، تناسب داشته باشد. این تدبیر در نظام کیفری ایران سابقه دارد؛ از جمله در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ افزون بر مجازات حبس یک تا پنج سال حبس، محرومیت از رانندگی برای مرتکب پیش بینی شده است (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۲۹۸).

به نظر قانونگذار، با وضع این قرار و اعمال نمودن محدودیت در رانندگی در تلاش است تا احتمالات تکرار بزه انتسابی یا تشدید شرایط موجود را که با دسترسی به این وسایل نقلیه که ممکن است تسهیل گردد، از بین ببرد. منع رانندگی در حقیقت، جنبه پیشگیرانه از ارتكاب عمل مجرمانه از طریق رانندگی با وسیله نقلیه موتوری دارد. آوردن قید وسیله نقلیه موتوری، سایر وسایل نقلیه غیر موتوری را شامل نمی‌شود. این قرار اساساً

در مورد جرایمی صادر می شود که از رانندگی با وسیله نقلیه موتوری مرتکب می گردند، مانند وارد نمودن صدمات بدنی به ویژه قتل غیر عمدی ناشی از رانندگی با وسایل مذکور؛ لذا قاضی پرونده با بررسی مدارک و اوضاع متهم و این که وجود وسیله نقلیه موتوری در دست متهم می تواند جرم را محقق گرداند وی را از رانندگی محروم می نماید؛ در بند ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این مجازات پیش بینی گردیده است. قرار فوق، علی الاصول بعد از ثبوت تخلف یا جرم مرجع قضایی صادر می شود، در حالی که در بسیاری از مواقع، مراجع انتظامی خود راساً در صورت بروز تخلفات رانندگی نسبت به توقیف اتومبیل و منع رانندگی مرتکبین مظنون به تخلف می نمایند که در بسیاری از موارد، باعث تضییع حقوق افراد می شود؛ البته شاید به دلیل فرهنگ رانندگی در کشورمان، بتوان اقدام پلیس را به منظور پیشگیری از تخلف مجدد توجیه کرد، اما به هر حال از نظر حقوقی این مسأله قابل تأمل است. این بند نیز مانند موارد قبلی برگرفته از بند ۸ ماده ۱۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه می باشد ولی تفاوتی که با آن دارد این است که در قانون فرانسه، رانندگی با هر نوع وسیله نقلیه - اعم از موتوری و غیر موتوری - منع گردیده است، در حالی که در قانون مزبور گواهینامه شخص نیز وصول خواهد شد. همچنین بازپرس می تواند اجازه دهد که متهم گواهینامه رانندگی خود را برای فعالیت های شغلی اش استفاده نماید (بوریکان؛ آن ماری سیمون، ۱۳۸۹: ۸۴). باید یاد آور شد که اصولاً منع ایجاد شده، تا پایان تحقیقات مقدماتی و اجرای مجازات ادامه خواهد داشت؛ چرا که قرارهای تأمین و نظارت قضایی از تاریخ صدور تا زمان اجرای حکم با رأی براءت و منع یا موقوفی تعقیب ادامه خواهد یافت. البته این منع در بند ح ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری جدید به دستور دادستان به تعلیق تعقیب در جرائم تعزیری درجات ۶، ۷ و ۸ با حصول شرایط مندرج در ماده مذکور حداکثر به مدت یک سال می باشد (همان).

۲-۲-۳- منع اشتغال به فعالیت های مرتبط با جرم ارتكابی

به موجب این دستور، بازپرس در قرار نظارت قضایی منع اشتغال به شغل یا مشاغل مشخصی را که با جرم ارتكابی (بند پ ماده ۲۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری ایران) مرتبط است، مقرر می‌کند. هدف از این دستور حذف زمینه‌ها و موقعیت‌های ارتكاب جرم برای متهم است. شاید از این طریق از تکرار مجدد جرم وی پیشگیری شود و زمینه باز اجتماعی شدن وی فراهم گردد. مشابه این اقدام به موجب بند «پ» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان مجازات تکمیلی پیش بینی شده است. قرار نظارت قضایی که توسط بازپرس صادر می‌شود، به معنی رسیدگی متهم از اشتغال به شغل یا حرفه مورد نظر نیست؛ بلکه تا پایان رسیدگی متهم از اشتغال به آن حرفه محروم می‌شود. بر همین اساس، باید جواز یا پروانه کسب به طور موقت توقیف و از ادامه فعالیت فرد ممانعت گردد (مصدق، ۱۳۹۹: ۷۶).

این قرار در بند پ ماده ۲۴۷ قانون جدید آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده که اقتباس شده از بند ۱۲ ماده ۱۳۸ ق. آ. د. ک کشور فرانسه می‌باشد. بر اساس این بند از قانون فرانسه، امتناع از برخی فعالیت‌های شغلی و اجتماعی، یک نوع نظارت قضایی است؛ هرچند قانونگذار فرانسوی یک استثناء مطابق مصالح اجتماعی قائل گردیده است که در صورتی که جرم ارتكابی به مناسبت اجرای فعالیت‌های شغلی مربوط به نمایندگی‌های انتخاباتی و مسئولیت‌های سندیکایی اتفاق افتاده باشد این بند را در بر نمی‌گیرد ضمن آن که بازپرس در صورتی که این قرار را صادر می‌نماید، باید میان فعالیت حرفه‌ای ممنوع و نیز جرمی را که موجب تعقیب او شده ارتباط توجیه کننده‌ای برقرار نماید. همان طور که ملاحظه می‌کنیم در قانون جدید آئین دادرسی کیفری از این موضوع غفلت گردیده و کلی‌گویی قانون در این مورد امکان دارد مشکلاتی را در آینده به وجود آورد. لذا باید خاطر نشان نمود که براساس ماده ۲۵۰ قانون جدید آئین دادرسی کیفری، قرار نظارت قضایی نیز همانند قرارهای تأمین، باید مستدل و موجه باشد و الا این اقدام تخلف انتظامی به شمار می‌آید.

۳-۲-۳- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز

یکی دیگر از مصادیق قرار نظارت قضایی، ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز است. این دستور زمانی صادر می شود که متهم، دارای سلاح مجاز باشد و جرم ارتكابی وی نیز مرتبط با حمل سلاح باشد؛ زیرا به موجب ماده ۲۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قرار تأمین باید مستدل، موجه و با نوع و اهمیت جرم در تناسب باشد. در خصوص متهمی که جرم ارتكابی توسط وی، با داشتن سلاح دارای مجوز ارتباطی ندارد صادر نمودن این قرار، توجیه منطقی ندارد و نامتناسب می باشد. شیوه اجرای قرار بازپرس در ماده ۲۴۹ قانون مذکور آمده است. بنابراین بازپرس فقط اسلحه را متوقف می کند بدون این که پروانه آن را باطل کند (مصدق، ۱۳۹۹: ۷۷).

این مورد در بند (ت) ماده ۲۴۷ قانون جدید بیان گردیده و در بند ۱۴ ماده ۱۳۸ ق. آ. د. ک فرانسه هم به آن اشاره شده است با این تفاوت که در قانون فرانسه، سلاحی که تحویل گرفته شده به دفتر دادگاه تحویل داده می شود و رسید آن به متهم داده می شود ولی در ایران سلاح در تحویل محل های مجاز نگهداری می شود. با توجه به مفاد این بند به نظر می رسد جرم خاصی مدنظر تدوین کنندگان این بند از ماده ۲۴۷ نبوده است و همین اندازه که سلاح، وسیله ارتكاب جرم بوده و یا این که قرار داشتن سلاح در دست متهم، نشان از خطر و جرمی باشد، این قرار صادر می شود. شبیه این قرار نیز همانند قرارهای قبلی در بند خ ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری در قالب دستور دادستان در جرائم تعزیری با درجات ۷، ۶ و ۸ با شرایطی به منظور تعلیق تعقیب پیش بینی شده است (لارگیه، ۱۳۷۸: ۷۹).

به موجب بند «ج» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، «منع حمل سلاح» به عنوان یکی از مجازات های تکمیلی مقرر گردیده است؛ بنابراین چنان چه در هنگام محاکمه و رسیدگی نهایی نظر دادگاه بر محرومیت دائم شخص از حمل سلاح باشد، می تواند مطابق مقررات مزبور، حکم به مجازات تکمیلی در این خصوص صادر نماید. در این صورت به شرح مذکور در ماده ۲۳ این قانون اقدام خواهد شد.

برابر بند (ث) ماده ۲۴۷ قانون جدید آئین دادرسی کیفری مرجع قضایی می‌تواند خروج متهم را از کشور ممنوع کند. این قرار در ماده ۱۳۳ قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ هم پیش بینی شده بود. بر اساس ماده ۲۴۸ قانون جدید مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه و قابل تمدید می‌باشد؛ لذا چنان چه مقام قضایی لازم بداند می‌تواند هر شش ماه یکبار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ، ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض می‌باشد. بند ح ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم این قرار را مطرح کرده است. ضمانت اجرایی این بند، اعلام ممنوعیت خروج از کشور متهم از طریق قاضی تحقیق، به اداره گذرنامه است تا مقامات قانونی از اعطای گذرنامه و یا اجازه خروج به متهم تحت نظارت قضایی، خودداری کنند. بند ذ ماده ۸۱ قانون جدید آئین دادرسی کیفری نیز دقیقاً همین دستور را از طرف دادستان برای متهمین جرائم تعزیری درجات ۶، ۷ و ۸ با حصول شرایطی به منظور تعلیق تعقیب پیش بینی کرده است.

۳-۳- قرارهای نظارت قضایی از حیث استقلال و مکمل بودن

۳-۳-۱- قرار نظارت قضایی مستقل

قرار مستقل، قرار است که مقام قضایی صرفاً مکلف به صدور آن به صورت مستقل - نه مکمل - بوده و نمی‌تواند بیشتر از آن را بر متهم تحمیل نموده یا قرار دیگری را در متمیم و تکمیل آن آورد. این نوع قرار در قانون جدید پیش بینی شده و بر اساس تبصره ۱۰ ذیل بندهای ماده ۲۴۷ به شرح ذیل می‌باشد: «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، یعنی حبس تا شش ماه و شلاق تا سی ضربه و یا جزای نقدی تا بیست میلیون ریال می‌توانند به صورت مستقل و بدون نیاز به صدور قرار تأمین کیفری همراه با آنان صادر گردند.» نکته ای که در اینجا باید به آن توجه نمود این است که در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار تأمین مناسب دیگری جایگزین قرار صادر شده می‌گردد. بدین مفهوم که قرار نظارت قضایی مستقل مربوط به جایی است که مجازات جرم سبک است و بازپرس به جای قرار تأمین و قرار نظارت تنها به قرار نظارت قضایی که خفیف است توجه می‌کند. این مطلب به صراحت در ماده ۲۵۴ قانون آئین دادرسی

جدید تصریح شده و همچنین بیان می‌دارد: این تبدیل قرار نظارت قضایی به قرار تأمین - در صورت تخلف از قرار نظارت قضایی مستقل - در حین صدور قرار نظارت قضایی توسط مقام قضایی به متهم تفهیم می‌گردد. بدیهی است پس از این تفهیم هیچگونه اعتراضی مبنی بر عدم علم و اطلاع توسط متهم مسموع نخواهد شد. از جمله موارد صدور قرار نظارت قضایی به عنوان مستقل می‌توان به ماده ۵۰۰ ق.م.ا اشاره کرد: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مواد ۵۰۶، ۵۶۶، ۵۴۷ و ... ق.م.ا نیز از مصادیق صدور قرار نظارت قضایی به صورت مستقل می‌باشند.

۲-۳-۳- قرارهای نظارت قضایی مکمل

قرارهائی هستند که تکمیل‌کننده یا به عنوان معاضدت قرارهای تأمین صادره توسط بازپرس یا دادیار تحقیق در دادسرا، صادر یا بعداً به دلیل مناسب نبودن قرار تأمین با اتهام انتسابی، توسط صادرکننده یا به درخواست دادستان و یا قاضی رسیدگی‌کننده در دادگاه صادر و ضمیمه قرار تأمین می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از انواع نوظهور قرارهای تأمین کیفری که هدف در اختیار داشتن و تحت نظارت داشتن متهم را به طور خاص برای مقام قضایی محقق می‌سازد، قرار نظارت قضایی است. با استفاده از قرار نظارت قضایی، متهم، به اجرای برخی دستورات از سوی مقام قضایی مکلف می‌شود و تحت نظارت وی قرار می‌گیرد. تحت نظارت قرار دادن متهمان، شرایط را برای رصد رفتارهای آنها از سوی مقام قضایی فراهم می‌آورد.

در قوانین آئین دادرسی کیفری ایران اگرچه مصادیق قرارهای نظارتی به قرار عدم خروج از کشور منتهی می‌گردید لکن تدریجاً عنوان قرار نظارت قضایی برای مجموعه‌ای از دستورات نظارتی وارد قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شد. این قرار، از جمله قرارهای تأمینی نوینی است که با این عنوان از حقوق فرانسه اقتباس و وارد آئین

دادرسی کشور ما شده است. به طور کلی بر اساس ماده ۲۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار نظارت قضایی، قرار تأمینی است که در برخی موارد به صورت فرعی و تکمیلی علاوه بر صدور قرار تأمین و در برخی موارد به صورت اصلی و مستقل، با تحمیل یک یا چند مورد از دستورهای پنجگانه متناسب با جرم ارتكابی، نسبت به متهم صادر می‌گردد. بنابراین در قانون جدید، این قرار با ویژگی غالب تکمیلی بودن پذیرفته شده است و حال آن که این قرار در حقوق فرانسه به صورت قرار اصلی پیش بینی شده و اصل بر این است که در وهله اول، این قرار توسط مقام قضایی صادر می‌شود. در حقوق فرانسه، قرارهای نظارت قضایی عبارت از الزاماتی است که تصمیم بازپرس به منظور تلفیق دو اصل «اجتناب هرچه بیشتر و ممکن از صدور قرار بازداشت موقت» و «جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا امحای آثار جرم یا تبانی با مطلعین و شهود قضیه» تحت شرایطی علیه او صادر می‌شود. در حقوق فرانسه، قرارهای «کنترل قضایی» که به موجب قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ وارد نظام کیفری این کشور شده، طیف وسیعی از جایگزین‌های بازداشت موقت را تشکیل می‌دهد.

قرار نظارت قضایی از نوآوری‌های مهم قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محسوب می‌شود که قانون جدید علاوه بر توسعه قرارهای جانشین بازداشت موقت، قرارهای نظارت قضایی را نیز پیش‌بینی کرده است. قرارهای نظارت قضایی از جایگزین‌های قرار سلب آزادی به شمار می‌رود. شیوه مذکور می‌تواند موجبات سلب آزادی بزهکار را حذف کند و سبب شود تا بزهکار ضمن آزاد بودن، تحت کنترل عدالت کیفری باشد.

مضافاً، تکمیلی بودن قرار نظارت قضایی خود سبب می‌گردد تا فرآیند شکلی صدور آن نیز فرع بر صدور دیگر قرارهای تأمین کیفری قرار گیرد و این امر نیز نه تنها صدور آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد بلکه شرایط صدور آن را با قرارهای تأمینی دیگر مشترک ساخته و از این طریق، گاهی نیز شرایطی برای صدور آن لازم دانسته می‌شود که نه لازم بوده و نه با ماهیت این قرار همخوانی دارد.

قرار نظارت قضایی با تأسی از حقوق کشور فرانسه و با ماهیت تحت نظارت قرار دادن متهمان بدون توسل به حبس گرای آنان ظاهر شد؛ ماهیتی که به نظر می‌رسد با توجه به دستورات و تعهدات قرار نظارت قضایی، در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موجود و مفروض باشد ولی به رغم استقلال این قرار در فرانسه، به نظر می‌رسد پیش بینی ویژگی غالبی تکمیلی بودن قرار نظارت در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این مبانی و چارچوب‌ها را به گونه‌ای مشتت نشان می‌دهد. در حقیقت، به دلیل تفاوت اصلی قرار نظارت قضایی در فرانسه و ایران از حیث مستقل یا تکمیلی بودن، مبنای اصدار آن در حقوق فرانسه و ایران نیز تفاوت پیدا خواهد کرد، به نحوی که در فرانسه، چون قرار نظارت قضایی یک قرار مستقل است این قرار، عنوان و گستره وسیعی داشته و حتی به عنوان یک قرار اصلی می‌تواند صادر گردد. اما در ایران، قرار نظارت قضایی بر اساس قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یک قرار تکمیلی و نه مستقل است و بنابراین، نه تنها عنوان و گستره عامی ندارد بلکه تنها می‌تواند به صورت جایگزین و یا در کنار دیگر قرارهای تأمین کیفری مورد اصدار قرار گیرد. به تعبیر دیگر، قرار نظارت قضایی در ایران و فرانسه، از حیث محتوا و ظاهر با یکدیگر تفاوت دارند.

علیرغم اقدام مثبت پیش بینی نوین این قرار در قانون آئین دادرسی کیفری، به نظر می‌رسد تکمیلی بودن این قرار و نواقص متعدد موجود در تشریفات آن و عدم انگیزه بخشی به شخص متهم در رعایت آنها، از میزان اثربخشی این نهاد خواهد کاست. به همین ترتیب، نقطه مقابل این امر آن است که قانونگذار، قرار نظارت قضایی را همانند حقوق فرانسه، قرار اصلی و مستقل و نه قرار جایگزین و تکمیلی محسوب کند. با این کار، هم شأن این قرار به عنوان راهکاری مناسب در آئین دادرسی کیفری مدرن به منظور نظارت بر متهم و فراهم نمودن زمینه اصلاح و باز پروری و عدم تکرار جرم، بیشتر حفظ خواهد شد و هم انگیزه قضات کیفری برای استفاده از این قرار و بهره برداری

حداً کثری از کار ویژه‌ها و کارکردهای اصلاح محور و درمان مدار و بازپرورانه آن در حق متهمان بیشتر گردد.

در اینجا پیشنهاد می‌شود اولاً، ماهیت و جایگاه قرار نظارت قضایی بومی سازی شود به گونه ای که در کنار قرارهای پنجگانه تأمین کیفری ماده ۱۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ قرار مستقل به عنوان قرار نظارت قضایی نیز پیش بینی نمایند؛ ثانیاً، رضایت و موافقت متهم در خصوص قرارهای نظارت قضایی به طور افتراقی به رسمیت شناخته شود؛ به طوری که در مواردی که جنبه تحدید حقوق اشخاص مطرح است اخذ رضایت متهم پیش بینی گردد و در آن دسته از موارد و دستوراتی که الزامات تحقیقی یا حمایت از حقوق جامعه بیشتر اهمیت می‌یابند (مثل عدم خروج از کشور یا منع رانندگی) اخذ رضایت متهم لازم نباشد و این امر به صلاحدید مقام قضایی واگذار شود؛ دیدگاهی که در حقوق فرانسه نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۹۲)، **تحول جایگاه دادسرا و توافقی شدن امر تعقیب، در عدالت کیفری (۲)** (مجموعه مقالات)، تهران: دادگستر.
- آشوری، محمد (۱۳۹۴)، **آئین دادرسی کیفری**، ج ۲، چ ۸، تهران: سمت.
- استفانی، گاستون، ژرژ لوسور و برنار بولک (۱۳۷۷)، **آئین دادرسی کیفری (جریان دادرسی کیفری)**، ج ۲، ترجمه: حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- الهی منش، محمدرضا (۱۳۸۹)، **بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه**، تهران: مجد.
- بوریگان، ژاک؛ آن ماری سیمون (۱۳۸۹)، **آئین دادرسی کیفری**، ترجمه: عباس تدین، تهران: خرسندی.
- پوررجب قاضی محله، فاطمه (۱۳۹۰)، **بازداشت موقت در حقوق کیفری ایران و انگلستان**، دو فصلنامه راه و کالت، ۵ و ۶، ۱۶۹-۱۸۵.
- تدین، عباس (۱۳۹۲)، **ترجمه قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه**، تهران: خرسندی.

- تدین، عباس (۱۳۹۲)، **قرار نظارت قضایی در فرآیند دادرسی کیفری ایران و فرانسه**، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، تهران: میزان.
- جعفری ندوشن، علی اکبر؛ صمدی، مرتضی؛ مختاری چهاربری، علی (۱۴۰۰)، **آثار تفکیک امور حکمی از امور موضوعی در دادرسی اسلامی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۵، ۱۵۳-۱۷۶.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۹)، **فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران**، تهران: بهنامی.
- خالقی، علی (۱۳۹۳)، **آیین دادرسی کیفری**، چ ۴، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شریفی، محسن (۱۳۸۰)، «**زرفنگری پیرامون مکانیسم‌های تضمین کننده حقوق و آزادی‌های متهم در حقوق ایران با اهتمام به اعلامیه‌های حقوق بشر**»، مجله حقوقی دادگستری، ۳۵، ۷۷-۹۵.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، **بایسته‌های آیین دادرسی کیفری**، تهران: میزان.
- فدوی بنده قرائی، احمد؛ تقی زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، **آزادی و جایگاه آن در اندیشه حقوق بشری امام خمینی (ره)**، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره اول، ۱، ۳۳-۵۴.
- لاریجی، ژان (۱۳۷۸)، **آیین دادرسی کیفری فرانسه**، ترجمه: حسن کاشفی اسماعیل زاده، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- مصدق، محمد (۱۳۹۹)، **قرارهای نهایی، تأمین کیفری و نظارت قضایی**، چ ۳، تهران: جنگل.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۹۲)، **مجموعه نشست‌های قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری**، ج ۱، چ ۲، تهران: جاودانه.
- Dyvrande B.(2006), «**La détention provisoire : mise en perspective et lacunes des sources statistiques** Bruno Aubusson de Cavarlay, Questions pénales, Cездip, juin.
- Maestracci, Nicole, (2006), **présidente du tribunal de grande instance de Melun**, audition CNCDH; 16 mai.
- Snacken, (2006), **sonja professeur de criminologie à l'ULB (Bruxelles)**, présidente du Conseil de coopération pénologique du Conseil de l'Europe, audition CNCDH, 30 mai.